

نقولاویان چه کسانی بوده اند؟ (مکاشفه فصل ۲ آیات ۶ و ۱۵)



نقولاویان چه کسانی بوده اند؟ (مکاشفه فصل ۲ آیات ۶ و ۱۵)

در کتاب مکاشفه دو بار به فرقه منحرفی به نام “نقولاویان” اشاره شده است:

مسیح به کلیسای افسس فرمود: “نکته خوبی در تو هست: تو نیز مانند من از رفتار
“نقولاوی ها” متنفر هستی” (آیه ۶)

مسیح به کلیسای پرغامس چنین فرمود: “در میان شما از مریدان نقولاویان زیادند”
(آیه ۱۵)

نقولاویان چه کسانی بوده اند و رفتار و عملکرد آنان چگونه بود؟

ایرینیوس و کلمنت اسکندریه (پدران کلیسا) گزارش داده اند در روزگار آنان فرقه
نقولاویان فعالیت داشت. ایرینیوس که نقولاویان را به خوبی می شناخت، چنین
نوشت: “شخصی به نام “نیکلاس” (نیقولائوس) بنیانگذار فرقه “نقولاویان” بوده
است. او جز هفت شماسی بود که توسط رسولان برگزیده شد (اعمال رسولان

فصل ۶ آیات ۳-۶). اما بعدها تحت تاثیر اعتقادات گنوستیکی، فرقه "نقولاویان" را تاسیس کرد. نقولاویان از اصول اعتقادات نیکلاس پیروی می کردند."

از کتاب مکاشفه درمی یابیم تاثیر فرقه نقولاویان بر کلیساهای افسس و تیاتیرا و پرغامس مشاهده می شود. هم چنین در کلیسای تیاتیرا زنی به نام ایزابل ادعا کرد که نبیه است (فصل ۲ آیه ۲۰). رفتار نفرت انگیز آنان ناشی از تعالیم غلط شان است. مسیح به کلیسای پرغامس فرمود: "زیر بار تعالیم غلط کسانی می روی که مانند بلعام هستند که به بالاق یاد داد چگونه قوم اسرائیل را به گناه بکشاند" (فصل ۲ آیه ۱۴). موسی گفت: "بت پرستان همان کسانی هستند که نصیحت بلعام را گوش کردند و قوم اسرائیل را به بت پرستی کشاندند و ما را دچار بلا کردند" (اعداد فصل ۳۱ آیه ۱۶). ماجرای بلعام در فصل های ۲۲ الی ۲۴ کتاب اعداد نقل شده است.

برخی نیز معتقدند که نقولاویان از واژه یونانی "نیکلا" اخذ شده، که چنین معنی می دهد: "بیا تا بخوریم". نقولاویان، مسیحیان را تشویق می کردند تا قربانی های تقدیم شده به بت ها را بخورند! اگر این نظریه درست باشد، بنابراین مسیح حق داشت که از آنان بیزار باشد. نقولاویان مانند گنوستیکی ها و معلم های دروغین، اعتقاد خود را برحق می دانستند (دوم پطرس فصل ۲ آیه ۱۵ و ۱۹ یهودا آیه ۴).

کلمنت اسکندریه درباره این فرقه چنین گفت: "آنان چنین تعلیم می دادند که فیض خدا سبب آزادی بی حد و حصر می باشد."

نقولاوی ها ایماندارانی بودند که به خاطر لذت بردن از بعضی گناهان جامعه افسس، حد وسط را در ایمان اتخاذ کرده بودند. آن ها به دروغ خود را "رسول" می نامیدند (فصل ۲ آیه ۲). بلعام نبی بت پرست بود که اسرائیلی ها را واداشت تا امیال شهوانی شان را به جا آورند.

در زمان موسی، هنگامی که قوم اسرائیل به مرز سرزمین کنعان رسید، موآبی ها خود را در مقابل قوم اسرائیل ضعیف دیدند. بنابراین به روشی موزیانه و مخرب متوسل شدند. آن ها بلعام را که یک نبی طماع بود اجیر کردند تا قوم اسرائیل را لعنت کند. وقتی او متوجه شد که چنین کاری غیرممکن است، به موآبی ها پیشنهاد داد تا دختران زیبای خود را به سراغ مردان اسرائیلی بفرستند تا با عشوه گری آن ها را به معابد خود دعوت کنند. در آن معابد، بر خلاف قوانین تورات، به زنا و بت پرستی روی آوردند. در نتیجه خداوند غضبناک شد و ۲۴۰۰۰ نفر از آنان را به قتل رساند (اعداد فصل ۲۵). فرقه نقولویان از قوانین شورای اورشلیم (اعمال رسولان فصل ۱۵ آیه ۲۹) پیروی نمی کرد.

تعالیم نقولویان

معنی واژه نقولویان به معنای پیروزی، تسلط و اعمال قدرت بر مردم است. می گویند "نیکولائوس" مردی بود که بر کلیسا حکومت می کرد. او فلسفه یونان را وارد کلیسا نمود. پیروان فرقه نقولویان معتقد بودند که گناهان جسم بر روی روح انسان تاثیر منفی نمی گذارد، بنابراین مسیحیان می توانند از هوا و هوس نفس پیروی نمایند، بدون آن که روح شان آسیب ببیند.

عده ای از مفسران کتاب مقدس معتقدند که تعلیم نقولویان بیانگر جدایی طبقه کشیش ها و ایمانداران عام است. واژه "نقولویان" که از دو واژه یونانی مشتق می شود:

"نیکوس" (به معنای پیروزی، غلبه، فتح کردن) و "لائوس" (به معنای مردم) برخی براین باورند که "نقولویان" به شدت به جدایی میان کشیش ها و عامه مردم را در کلیسا ترویج می کردند (کلیه مردم به استثنای کشیش ها).

در آن روزگار، پیروان این مکتب کلیسا را به دو بخش تقسیم کردند:

طبقه کشیش ها و طبقه ایمانداران عام.

بدین سان، کهنات مختص طبقه کشیش ها شد که با لباس های مخصوص و پر زرق و برق وارد کلیسا می شدند و ایمانداران عام که با لباس های معمولی در جلسات کلیسایی شرکت می کردند. بنابراین کشیش ها با لباس های مخصوص از ایمانداران عادی متمایز شدند! این در حالی است که عهد جدید چنین تعلیمی نمی دهد: "هرگاه کسی روح مسیح را ندارد، از آن او نیست" (رومیان فصل ۸ آیه ۹).

خداوند مسئولیت کهنات را به تمام ایمانداران مسیحی عطا کرده است، با این تفاوت که خدمات و دعوت هر شخص با دعوت دیگری متفاوت است (اول پطرس فصل ۱ آیه ۸، مکاشفه فصل ۱ آیه ۶، افسسیان فصل ۴ آیه ۱۱ و رومیان فصل ۱۲ آیه ۴). لزومی ندارد کشیش با لباس فاخر و مخصوص، خود را از سایرین جدا سازد. مسیح فرمود: "اما شما نباید استاد نامیده شوید، زیرا شما فقط یک استاد دارید... آیه به طور کامل نوشته شود (متی فصل ۲۳ آیات ۸-۱۰).

تعلیم نقولایوان انحراف از تعلیم صریح مسیح بود. آنان به ایمانداران اجازه مطالعه کتاب مقدس را نمی دادند و از حتی اندیشیدن و تشخیص حقیقت هم منع شده بودند. این تعلیم زمینه را برای تعالیم غلط مساعد می کرد. مثلا به جای مسیح، مریم و قدیسین را واسطه خدا و انسان قرار می دادند. در حالی که مسیح سر کلیسا است، کنار گذاشته شده و سیستم بشری را جایگزین او نمودند.

مسیح شهر پرغامس را به عنوان شهری که دارای چهار بت است، "مقر حکومت شیطان" می نامد. کلیسای پرغامس در محاصره شیطان قرار داشت. شاید نقولایوان ها تعلیم می دادند که اشکالی ندارد مسیحیان در مراسم بت پرست ها شرکت کنند، زیرا این از "وظایف یک شهروند خوب" است (مکاشفه فصل ۲ آیه ۱۳)!

“ویلیام بارکلی” مفسر معروف و معاصر کتاب مقدس، درباره نقولایان چنین اظهار نظر کرد: “آنان مخالف مسیحیت نبودند و مسیحیت را نابود نکردند، اما در محدوده فرقه شان، اعتقادات مسیحی را با فرهنگ دنیوی (بت پرستان) ادغام نمودند”.

نویسنده مقاله: مهران پورپشنگ